

ایران ورزشی

روایتی متفاوت از وعده‌های پشت پرده باشگاه‌ها به بازیکنان که تبدیل به کابوس می‌شوند

آپارتمان، ماشین، میلگرد؛ بلای جان فوتبال ایران

گزارش ویژه

محمد رضا رحیم‌پور

خبرنگار

در فوتبال ایران، گاهی یک بازیکن برای پیوستن به باشگاهی میلیون‌ها دلار ارزش دارد اما برای جدا شدن از همان باشگاه کافی است به بندی در چند خط از قراردادش استناد کند. این تناقض، سال‌هاست در فوتبال ایران تکرار می‌شود؛ قراردادهای با ارقام سنگین، اما پندهایی که راه خروج را برای بازیکن یا مربی بسیار ساده می‌کنند.

تازه‌ترین نمونه، ماجرای یاسر آسانی است؛ وینگر آلبانیایی استقلال که ابتدا با قراردادی ۲ساله و در شرایطی که برای جذب او هزینه قابل توجهی صرف شده بود، به جمع آبی پوشان اضافه شد و در مقطعی به فصل گذشته به یکی از بازیکنان تأثیرگذار تیم تبدیل شد. با این حال، انتشار سند فسخ قرارداد او بار دیگر توجه‌ها را به یک سؤال قدیمی جلب کرد: چرا در قرارداد بازیکنی با چنین ارزشی، بندی وجود دارد که امکان جدایی او را با پرداخت ۵۰هزار دلار فراهم می‌کند؟

موضوع زمانی پیچیده‌تر شد که وکلای آسانی برای جدایی از استقلال به مسائل مربوط به پرداخت مطالبات و همچنین ماده ۱۴ مقررات نقل‌وانتقالات عتبار استناد کردند. حالا علاوه بر اصل جدایی، بحث افزایش حضور این بازیکن در ترکیب استقلال و اعتراض باشگاه مس شهرپایک نیز مطرح شده است اما موضوع آسانی را نباید یک اتفاق منفرد دانست. اگر پرونده‌های سال‌های اخیر فوتبال ایران را کنار هم قرار دهیم، با یک الگوی تکرارشونده مواجه می‌شویم. قراردادهایی که گاهی بیش از آنکه یک سند حرفه‌ای برای مدیریت رابطه باشگاه و بازیکن باشند، مجموعه‌ای از پندهای متناقض، آپشن‌های عجیب و راه‌های خروج هستند.

قرارداد ۱۰۰میلیاردی با بند فسخ ۱۰۰میلیون تومانی!

یکی از نمونه‌های بحث‌برانگیز، قرارداد رامین رضاییان با استقلال بود؛ قراردادی که رقم آن در حدود ۱۰۰میلیارد تومان عنوان شد، اما در آن بند فسخی با رقم بسیار پایین‌تر، یعنی ۱۰۰میلیون تومان، مطرح شد. اگر چنین بندی در یک قرارداد حرفه‌ای وجود داشته باشد، پرسش ساده‌ای ایجاد می‌کند که فلسفه انعقاد قرارداد بلندمدت چیست؟

باشگاه‌های زمانی که بازیکن را جذب می‌کنند، روی او سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ از هزینه انتقال و ضمانتنامه گرفته تا دستمزد، پاداش، هزینه اسکان و امکانات. از سوی دیگر، انتظار دارد بازیکن تا پایان قرارداد در اختیار باشگاه باشد اما وقتی بازیکن می‌تواند با مبلغی بسیار ناچیز نسبت به ارزش قرارداد از تعهداتش خارج شود، عملاً قرارداد بلندمدت به قراردادی با ضمانت بسیار ضعیف تبدیل می‌شود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که مسافت «نوع قرارداد» را به‌هم می‌پزد.

وکیل ورزشی؛ مهره‌ای گمشده در پازل باشگاهداری حرفه‌ای شاه‌منصوری: مشکل از قرارداد نیست مدیر ورزشی نداریم

رضا شاه‌منصوری، مشاور حقوقی و وکیل باشگاه پرسپولیس، در گفت‌وگویی مشروح، با اشاره به ریشه‌های این چالش توضیح داد: «حقیقت ماجرا این است که ما در بخش کلان با کمبود مدیران تخصصی مواجهیم. به جای اینکه صرفاً درباره عیف در قراردادنویسی صحبت کنیم، باید پرسید آیا اصلاً مدیر ورزشی داریم که با موازین، ظرفات‌ها و مقتضیات نوین فوتبال و باشگاه‌داری آشنا باشد؟»

وی با تأکید براینکه ساختار ناکارآمد مدیریتی به‌صورت زنجیره‌وار سایر بخش‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزود: «مدیر ورزشی باید شناخت کافی و عمیقی از فوتبال، اقتصاد باشگاه‌داری، روانشناسی بازیکن و رفتارشناسی ایجنت‌ها داشته باشد. وقتی مدیر ارشد کارآمد نباشد، مشکلات از بالا به پایین منتقل شده و معاونت‌های حقوقی، مالی و ورزشی باشگاه نیز با ایراد مواجه خواهند شد. متأسفانه در بسیاری از حوزه‌ها با اطلاعات دیده سطحی مواجهیم و عمق تخصص در آنها دیده نمی‌شود.»

شاه‌منصوری با اشاره به اقدامات انجام‌شده در باشگاه پرسپولیس طی ماه‌های گذشته تصریح کرد: «از سال گذشته که در باشگاه پرسپولیس حضور پیدا کردم، تلاش شد تغییرات اساسی و بنیادین در ساختار قراردادها ایجاد شود. در چنین مواردی، تشخیص مصلحت از سوی مدیریت و بخش حقوقی اهمیت شایانی دارد. کسی که متن قرارداد را تنظیم می‌کند، باید تجربه، دانش بینی و شناخت کافی از فضای فوتبال داشته باشد.»

وی افزود: «هنگامی که باشگاه قصد جذب یک بازیکن یا مربی را دارد، صرفاً تکیه بر آمار فنی کافی نیست؛ بلکه بررسی دقیق سوابق حرفه‌ای او در فصل گذشته و سال‌های قبل از آن الزامی است. با یک ارزیابی موشکافانه می‌توان بسیاری از

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران ● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری ● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان ● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین ● تلفن: ۰۲۱۸۵۵۱۱۳۳ ● فاکس: ۸۴۷۱۱۱۳۳ ● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم ● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۵۱۳۰۰ ● ۸۸۵۲۱۹۵۴ - ۸۸۵۲۱۹۵۴ ● مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸ ● صندوق پستی: ۵۳۸۸۰-۱۵۸۷۵

مشکل از بازیکن شروع نمی‌شود

در بسیاری از بحث‌های فوتبالی، وقتی قراردادی جنجالی منتشر می‌شود، اولین متهم بازیکن یا مدیر برنامه اوست. اما واقعیت حقوقی قرارداد چیز دیگری است. قرارداد یک توافق دوطرفه است و اگر بندی در آن وجود دارد، اصل بر این است که طرفین هنگام امضا از مفاد آن اطلاع داشته‌اند. بنابراین سؤال اساسی‌تر باید متوجه ساختار باشگاه باشد و اینکه چه کسی قرارداد را تنظیم کرده است؟ چه کسی آن را بررسی کرده؟ چه کسی بند فسخ را تأیید کرده و چرا باشگاه آن را پذیرفته است؟ اگر باشگاهی با یک بازیکن قرارداد چندده یا چندصد میلیارد تومانی امضا می‌کند، منطقی است که قرارداد پیش از امضا توسط یک تیم حقوقی متخصص فوتبال بررسی شود؛ تیمی که نه‌تنها مبلغ قرارداد، بلکه تمام پندهای فسخ، پاداش، محرومیت، مصدومیت، پرداخت مطالبات، مالیات، ارز، اختلافات و نحوه پایان همکاری را بررسی کند. مشکل فوتبال ایران این است که چنین استانداردی به شکل یکپارچه و الزام‌آور وجود ندارد و هر باشگاهی می‌تواند با کمک مدیر برنامه، وکیل یا مشاور حقوقی خود قراردادی را تنظیم کند و در آن پندهایی قرار دهد که ممکن است در قرارداد باشگاه دیگر اصلاً وجود نداشته باشد. نتیجه، یک بازار قراردادی آشفته است؛ بازاری که در آن یک قرارداد ممکن است ده‌ها صفحه بند داشته باشد و قرارداد دیگر با همان بازیکن، ساختاری کاملاً متفاوت داشته باشد.

بند فسخ؛ شمشیر دولبه

وجود بند فسخ به خودی خود مسأله عجیبی نیست. در فوتبال حرفه‌ای جهان، پندهای فسخ کاملاً شناخته‌شده‌اند و حتی بخشی از ساختار اقتصادی قراردادها محسوب می‌شوند. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که رقم بند فسخ با ارزش واقعی قرارداد تناسب نداشته باشد. بند فسخ باید مشخص کند در چه شرایطی و با چه هزینه‌ای می‌توان قرارداد را زودتر از موعد پایان داد. اما اگر بازیکنی که قراردادش ارزش بسیار بالایی دارد، بتواند با مبلغی ناچیز از باشگاه جدا شود، قدرت قراردادی باشگاه عملاً از بین می‌رود. نمونه آسانی نیز از همین زاویه قابل بررسی است. بند ۵۰هزار دلاری شاید در فوتبال رقم بسیار بزرگی به نظر برسد، اما وقتی پای بازیکنی با ارزش ورزشی و اقتصادی قابل توجه و هزینه‌های بالای جذب او در میان باشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این مبلغ واقعاً بازدارنده بوده یا صرفاً یک «خروج اضطراری» در قرارداد محسوب می‌شده است؟

مطالبات؛ راه دیگری برای خروج

دومین مسأله، پندهای مربوط به پرداخت دستمزد است. در فوتبال حرفه‌ای، بازیکن باید دستمزد خود را در موعد مقرر دریافت کند. اگر باشگاه تعهدات مالی خود را انجام ندهد، طبیعی است که بازیکن حق پیگیری داشته باشد. در مقررات داخلی و همچنین در چهارچوب مقررات بین‌المللی، سازوکارهایی برای حمایت از بازیکنان در برابر عدم پرداخت دستمزد وجود دارد. در برخی مقررات داخلی نیز بحث عدم پرداخت چند نوبت از مطالبات می‌تواند به‌حق فسخ منجر شود. اصل این موضوع قابل دفاع است؛ چراکه باشگاه نمی‌تواند بازیکن را به کار وادار کند اما دستمزد را نپردازد. ما مشکل فوتبال ایران در جای دیگری است.

یکی از

عجیب‌ترین

بخش‌های

قراردادهای

فوتبال ایران

آپشن‌هایی

است که معیار

مشخصی

برای پرداخت

ندارند. پاداش

گل، پاس گل

تعداد بازی و

قه‌رمانی قابل

اندازه‌گیری

هستند. اما

وقتی پاداشی

به تصمیم

شخصی

مدیرعامل

یا سرمربی

وابسته

می‌شود، دیگر

معیار قراردادی

شفاف از بین

می‌رود

رسول باختر:

اصلاح ساختار مالی باشگاه‌ها، راهکار کاهش پرونده‌هاست

مهم‌ترین عامل در پرونده‌های مالی، ناتوانی باشگاه‌ها در پرداخت به‌موقع دستمزد، پاداش و پیش‌پرداخت بازیکنان و مربیان خارجی است که در کنار ضعف دانش حقوقی، قراردادهای غیراستاندارد و نبود تیم‌های حقوقی حرفه‌ای، به محکومیت‌های مالی و حتی محرومیت‌های نقل‌وانتقالاتی منجر می‌شود. بخش قابل توجهی از این پرونده‌ها به ماده ۱۴ مکرر

مقررات وضعیت و نقل‌وانتقالات فیفا بازمی‌گردد؛

مقرره‌ای که در صورت عدم پرداخت حقوق برای بیش از ده ماه، امکان فسخ قرارداد و مطالبه غرامت را برای بازیکن یا مربی فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، ضعف در تنظیم قرارداد و مدیریت تعهدات مالی، ریسک دعایو بین‌المللی را افزایش می‌دهد. با این حال، وضعیت ایران را نباید چالشی تراز کشورهایی

افراد باشد، نه یک شاخص مشخص و قابل اندازه‌گیری؟

قرارداد حرفه‌ای باید اختلاف را کاهش دهد، نه‌اینکه خودش منبع اختلاف شود.

بند قراردادی داشته باشد!

ماجرادر برخی قراردادهای مربیان خارجی عجیب‌تر هم شده است. درباره یکی از سرمربیان سرشناس خارجی لیگ برتر، بندی گزارش شده بود که باشگاه موظف بود

هزینه‌های درمانی او را از یک بیماری ساده تا جراحی‌های پیچیده پرداخت کند و حتی در دوران بیماری، مرخصی با حقوق برای او در نظر گرفته شود.

برای مربی با بازیکن حرفه‌ای، موضوع غیرطبیعی نیست. باشگاه‌های حرفه‌ای معمولاً بیمه درمانی و پوشش‌های مشخصی دارند. اما تفاوت در این است که در فوتبال حرفه‌ای، این موارد باید در قالب یک نظام بیمه‌ای و حقوقی شفاف تعریف شوند، نه‌اینکه هر مربی با بازیکن براساس قدرت مذاکره خود پندهای متفاوتی دریافت کند.

قرارداد استاندارد نداریم

تمام این داستان‌ها در نهایت به یک مسأله برمی‌گردد؛ فوتبال ایران به یک قرارداد استاندارد واقعی، جامع و الزام‌آور نیاز دارد. قراردادی که فدراسیون فوتبال طراحی کند و تمام باشگاه‌ها موظف باشند از آن استفاده کنند. البته قرارداد استاندارد نباید به این معنا باشد که باشگاه و بازیکن هیچ اختیاری برای مذاکره نداشته باشند. در یک دستمزد، تعهدات رسانه‌ای، پاداش‌های عملکردی و برخی مزایا می‌تواند قابل مذاکره باشد اما چهارچوب اصلی باید ثابت باشد. برای مثال، بند فسخ باید استاندارد مشخصی داشته باشد. نحوه پرداخت باید مشخص باشد. شرایط فسخ به‌دلیل عدم پرداخت باید دقیقاً تعریف شود. وضعیت مصدومیت، مالیات، محرومیت، تعهدات رسانه‌ای، پاداش‌ها، اختلافات و مرجع حل اختلاف نیز باید از قبل مشخص باشند. هر بندی که خارج از قرارداد استاندارد اضافه می‌شود، باید توسط یک مرجع حقوقی متخصص تأیید شود.

در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان هرسال شاهد قراردادهایی بود که به یکی در آن خودرو داده شده، به دیگری آپارتمان، یکی حواله آهن گرفته و دیگری بند فسخ چندمیلیون دلاری یا چندصد میلیون تومانی دارد. این پیشنهاد اگر در فوتبال اجرایی شود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری فوتبال ایران باشد. فدراسیون فوتبال باید یک مدل استاندارد تهیه کند.

سپس باشگاه‌ها موظف شوند تمام قراردادهای خود را براساس آن مدل ثبت کنند. هرگونه بند اضافی نیز باید پیش از ثبت قرارداد، توسط واحد حقوقی متخصص فوتبال بررسی و تأیید شود. این اتفاق دو نتیجه مهم خواهد داشت؛ نخست اینکه باشگاه‌ها از امضای قراردادهای پرریسک جلوگیری می‌کنند و دوم اینکه بازیکنان نیز از حقوق خود در یک چهارچوب مشخص مطلع خواهند بود.

قرارداد باید قبل از امضا بررسی شود، نه بعد از فسخ

در فوتبال ایران معمولاً همه‌چیز برعکس انجام می‌شود. اول بازیکن جذب می‌شود، بعد قرارداد امضا می‌شود، بعد خبر رقم قرارداد منتشر می‌شود و در نهایت هواداران درباره آپشن‌ها بحث می‌کنند. این چرخه به آنجا می‌رسد که مطالبات پرداخت نمی‌شود، بعد بازیکن فسخ می‌کند، بعد باشگاه شکایت می‌کند و در نهایت، پرونده به کمیته‌های داخلی، فیفا یا CAS می‌رسد.

در فوتبال حرفه‌ای باید این زنجیره از همان ابتدا متوقف شود و قبل از امضا قرارداد باید بررسی شود، نه بعد از فسخ. فوتبال ایران به آپشن‌هایی مربوط می‌شود که گاهی بیشتر شبیه فهرست خواسته‌های شخصی هستند تا یک قرارداد ورزشی حرفه‌ای. در برخی قراردادهای منتشرشده یا گزارش‌شده، پاداش‌هایی برای تعداد بازی، حضور در فهرست مسابقات، گل، پاس گل، قهرمانی و صعود وجود داشته است؛ این موارد در فوتبال جهان کاملاً طبیعی هستند اما در فوتبال ایران گاهی مرز میان «پاداش عملکرد» و «مزایای عجیب» از بین می‌رود. برای نمونه، درباره قرارداد بشار رسن، هافبک عراقی سابق پرسپولیس، بندی درباره دریافت ۵۰هزار دلار در صورت حضور در فهرست ۱۴نفره در ۴۰درصد مسابقات لیگ مطرح شده بود. در پرونده شیخ دیاباته نیز درباره پاداش‌های مرتبط با گل و نتیجه مسابقات لیگ قهرمانان آسیا گزارش‌هایی منتشر شد. این سؤال مطرح است که چرا باید یک قرارداد ورزشی تا این اندازه پیچیده شود که محاسبه دقیق دریافتی بازیکن برای خود باشگاه هم دشوار باشد؟

وقتی آپارتمان و خودرو وارد قرارداد می‌شوند

در دوره اجرای مقررات مربوط به سقف قرارداد نیز داستان وارد مرحله تازه‌ای شد. وقتی برای قرارداد بازیکن سقف مشخصی تعیین شد، راه‌های مختلفی برای افزایش دریافتی شکل گرفت؛ از پاداش و آپشن گرفته تا پرداخت‌های غیرقانونی، خودرو، آپارتمان و حتی کالاهای مانند حواله میلگرد و ضایعات آهن، در روایت‌های مختلف مربوط به قراردادهای فوتبال ایران مطرح شده‌اند. اگر قرار باشد بازیکن به جای بخشی از دستمزد خود خودرو یا ملک دریافت کند، باید ارزش واقعی این مزایا دقیقاً در قرارداد ثبت شود. در غیر این صورت، سقف قرارداد فقط روی کاغذ وجود خواهد داشت. حتی درباره برخی بازیکنان پرسپولیس در دوره اجرای سقف قرارداد، موضوع پرداخت خودرو به جای مبلغ قرارداد مطرح شد؛ خودروهایی که حتی در مواردی به‌دلیل مسائل مربوط به پلاک، مدت‌ها مورد استفاده قرار نگرفتند. اگر قرار است قراردادها سقف داشته باشند، چرا باید راه‌های متعددی برای پرداخت خارج از رقم رسمی قرارداد وجود داشته باشد؟

آپشن‌هایی که به عملکرد فنی ربطی ندارند

یکی از عجیب‌ترین بخش‌های قراردادهای فوتبال ایران، آپشن‌هایی است که معیار مشخصی برای پرداخت ندارند. پاداش گل، پاس گل، تعداد بازی و قهرمانی قابل اندازه‌گیری هستند. اما وقتی پاداشی به تصمیم شخصی مدیرعامل یا سرمربی وابسته می‌شود، دیگر معیار قراردادی شفاف از بین می‌رود. برای مثال، درباره بندی در برخی قراردادهای پرسپولیس، پاداش ۵۰۰میلیون تومانی در صورت رضایت مدیرعامل و سرمربی مطرح شده بود. اگر پاداشی قرار است بخشی از قرارداد باشد، چرا باید معیار آن «رضایت

مانند ترکیه و عربستان دانست و پرونده‌هایی نظیر ویلموس، بیشتر جنبه استثنایی دارند. اجرای نظام جامع باشگاه‌داری، تأمین منابع پایدار از حق پخش و اجرای نظام مالی بازی جوانمردانه می‌تواند وابستگی باشگاه‌ها به دولت را کاهش داده و با ایجاد انضباط مالی از شکل‌گیری بسیاری از اختلافات بین‌المللی جلوگیری کند.

مستقل بسته شود. مدیر حقوقی باشگاه باید مثل بقیه

مسائل جدی گرفته شود. حتی بهتر است فدراسیون فوتبال نیز یک سامانه مرکزی قراردادها ایجاد کند؛ سامانه‌ای که تمام قراردادهای بازیکنان و مربیان در آن ثبت شود و پندهای اصلی آنها قابل نظارت باشد. رقم قرارداد، مدت قرارداد، بند فسخ، پاداش‌ها، تعهدات پرداختی و شرایط پایان همکاری باید در یک ساختار مشخص ثبت شوند. این شفافیت، نه‌فقط برای فدراسیون، بلکه برای خود باشگاه‌ها نیز ضروری است.

پایان قرارداد نباید تبدیل به ریسک شود

فوتبال حرفه‌ای یعنی پیش‌بینی ریسک. وقتی یک باشگاه بازیکنی را با رقم سنگین جذب می‌کند، باید از خودش بپرسد اگر بازیکن سه ماه دیگر فسخ کرد چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر باشگاه نتوانست دو قسط را پرداخت کند چه؟ اگر بازیکن مصدوم شد چه؟ اگر بازیکن خارجی کشور را ترک کرد چه؟ اگر مدیرعامل تغییر کرد چه؟ اگر سقف قرارداد تغییر کرد چه؟ اگر اختلاف به فیفا رفت چه؟ قرارداد حرفه‌ای باید برای همه این اتفاقات پاسخ داشته باشد. اما در فوتبال ایران، گاهی قرارداد در زمان امضا فقط برای «جذب بازیکن» نوشته می‌شود؛ نه برای مدیریت دو سال رابطه حرفه‌ای. نسخه اصلاح این وضعیت برخلاف تصور چندان پیچیده نیست. فدراسیون فوتبال می‌تواند با همکاری سازمان لیگ، باشگاه‌ها و کارشناسان حقوق ورزشی، یک قرارداد تیپ جامع تهیه کند.

وزارت ورزش نیز می‌تواند برای باشگاه‌های خصولتی و وابسته به صنایع، کنترل حقوقی و مالی پیش از انعقاد قراردادهای بزرگ را الزامی کند. باشگاه‌ها باید قراردادهای خود را ثبت و تمام پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی را اعلام کنند. هرگونه فراراد جانبی، تقاضنامه پنهان یا پرداخت خارج از قرارداد اصلی نیز باید ممنوع و قابل پیگیری باشد. برای قراردادهای خارجی نیز باید فیلتر حقوقی جدی‌تری وجود داشته باشد؛ چراکه کوچک‌ترین اشتباه در قرارداد یک بازیکن یا مربی خارجی می‌تواند سال‌ها بعد به یک پرونده بین‌المللی و محکومیت چندمیلیون دلاری تبدیل شود.

فوتبال ایران برای حل این مشکل پیش از آنکه به

بخشنامه جدید نیاز داشته باشد، به یک سیستم قراردادی جدید نیاز دارد؛ سیستمی که در آن قرارداد تیپ فدراسیون، نقطه شروع باشد، نه یک پیشنهاد اختیاری.

تعالد اقتصادی یک قرارداد را بهم بزند.

در نهایت، سؤال اصلی این نیست که یاسر آسانی چرا استقلال را ترک کرد یا رامین رضاییان چگونه توانست

سؤال بزرگ‌ترین ایرت است، چرا فوتبال ایران هنوز برای قراردادی که ده‌ها میلیارد تومان ارزش دارد، یک الگوی

واحد و الزام‌ور ندارد؟ فارغ‌انه که پاسخ این سؤال داده نشود، پندهای عجیب، فسخ‌های ناگهانی، آپشن‌های غیرقابل‌بایور و پرونده‌های سنگین فیفا و CAS همچنان بخشی از فوتبال ایران خواهند بود. چطور ممکن است یک قرارداد چندده میلیاردی، این‌قدر راحت فسخ شود؟